



رابطه بین حرکات بدنی معلم و پاسخ‌های غیر کلامی فراگیران به‌عنوان نمودهای مشارکت در کلاس‌های زبان انگلیسی

ناصر رشیدی*

(نویسنده مسئول)

استاد تمام آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شیراز،
شیراز، ایران

Email: naser.rashidi@shirazu.ac.ir



مریم پرویز**

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز،
شیراز، ایران

Email: maryamparviz604414@gmail.com



چکیده

ویگوتسکی (Vygotsky) (1978) ضمن اشاره به حرکات کودک بر این عقیده است که اشاره کودک با انگشت یک رابطه بین شخصی را نشان می‌دهد و رابطه درون فردی زمانی رخ می‌دهد که کودک از مرحله درون‌سپاری گذشته باشد. در این راستا، تحقیق حاضر به بررسی نقش گفتمان (Discourse) و رفتارهای غیر کلامی در یک کلاس زبان عمومی در دانشگاه شیراز پرداخت. روش تحقیق از نوع کیفی بود که در چارچوب نظریه فرهنگی-اجتماعی انجام شد. ابزارهای تحقیق عبارت بودند از: یک پرسشنامه، دو ویدئو ضبط شده، نظرسنجی دانشجویی، و یک مصاحبه هدایت شده (نیمه ساختاریافته) (Semi-structured) با استاد. در مشاهدات تحقیق بویژه بر نحوه ارتباط متقابل استاد با دانشجویان در تدریس تاکید شد. ۵ هفته اول دوره که دو جلسه نود دقیقه‌ای در هر هفته برگزار می‌شد ضبط ویدئویی شد. نتایج تحلیل داده‌های این تحقیق که متمرکز بر حرکات استاد بود و مطابق با استانداردهای ترانسکرایب (Transcription conventions) مک نیل (McNeill) (1992) جمع‌آوری شدند نشان داد که حرکات بدنی و رفتارهای تقلیدی استاد به عینیت بخشی زبان انگلیسی برای دانشجویان کمک کردند. رفتارهای غیر کلامی به دو دسته گرامر و واژگان تقسیم شدند. که استاد با استفاده از آنها تلاش می‌کرد به درس عینیت ببخشد و به عبارتی دیگر آن را کدگذاری مجدد کند. لازم به ذکر است که در این مطالعه، نه تنها انواع مختلف حرکات بدنی بلکه نقش‌های آنها نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهند که معلم تلاش می‌کند تا زبان را عینیت بخشیده و کدگذاری کند.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴
تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۹
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

گفتمان، حرکات بدنی،
تقلیدی، ارتباط متقابل،
ترانسکرایب

کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2021.312261.768

رشیدی، ناصر، پرویز، مریم. (۱۳۹۹). رابطه بین حرکات بدنی معلم و پاسخ‌های غیر کلامی فراگیران به‌عنوان نمودهای مشارکت در کلاس‌های زبان انگلیسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰)، ۷۵۲-۷۷۵.

Rashidi, Naser, Parviz, Maryam (2021). Participation in the EFL Classrooms: Relationships between the Functions of Teacher's Embodied Actions and Learners' Embodied Reactions. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (4), 752-775.
DOI: 10.22059/jflr.2021.312261.768

* ناصر رشیدی، استاد تمام آموزش زبان انگلیسی دانشگاه شیراز است. حوزه پژوهشی وی فلسفه یادگیری زبان، آموزش انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی است.

** مریم پرویز دارای کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه شیراز است و به حوزه پژوهشی گفتمان و رفتار غیر کلامی در آموزش علاقه دارد.



Participation in the EFL Classrooms: Relationships between the Functions of Teacher's Embodied Actions and Learners' Embodied Reactions



Naser Rashidi*
(corresponding author)
Professor of English Language Teaching, University of Shiraz,
Shiraz, Iran
Email: naser.rashidi@shirazu.ac.ir



Maryam Parviz**
M.A holder in English Language Teaching, University of Shiraz,
Shiraz, Iran.
Email: maryamparviz604414@gmail.com

ABSTRACT

Vygotsky (1978) uses the example of a child's gesture, arguing that finger-pointing presents an interpersonal relationship; but an intrapersonal relationship occurs only after internalization. The purpose of this study was to investigate the discourse and corresponding gestures at a foreign language university general English course using Socio-cultural theory as a theoretical framework. This study used a qualitative research methodology. The instruments used in the current research included: a questionnaire, two video-recordings, student surveys, and a follow-up semi-structured teacher interview. Particularly, the observations were of the teacher in interaction with students concerning the subject matter. The teacher's teaching was video-recorded for the first five weeks of a sixteen-week course, meeting twice per week for one hour and thirty seconds. The teacher's gestures were analyzed according to the transcription conventions developed by McNeill (1992). The findings are discussed in relation to the teacher's embodied practices. The data revealed that the teacher gestured and mimetically illustrated in order to concretize the language. The gestures observed were organized into different linguistic categories of grammar and lexis on the basis of the lessons of the course- book. So, not only the gesture types, but also the functions, are discussed. This organization reinforces the notion that the instructor was trying to concretize the language and codify it.

DOI: 10.22059/jflr.2021.312261.768

© 2021 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:
Received:
22nd, October, 2020
Accepted:
13th, January, 2020
Available online:
Winter 2021

Keywords:

*Classroom Discourse,
Embodied Action, Gesture
in Language Learning,
Transcribe, Interaction*

Rashidi, Naser, Parviz, Maryam (2021). Participation in the EFL Classrooms: Relationships between the Functions of Teacher's Embodied Actions and Learners' Embodied Reactions. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (4), 752-775.
DOI: 10.22059/jflr.2021.312261.768

* Nasser Rashidi is professor of TEFL and the faculty member of Shiraz University, Iran. His areas of interest include philosophy of language learning, critical pedagogy, and critical discourse analysis.

** Maryam Parviz has an M.A in English Language Teaching from the University of Shiraz, Iran. She is interested in teacher education, discourse and nonverbal behavior.

۱. مقدمه

بنظر صاحب‌نظران از جمله سلسه موریسیا (Celce-Murcia) (۱۹۸۷) یادگیری زبان در نتیجه ارتباط متقابل میان معلم و دانشجو در محیط زبانی اتفاق می‌افتد. در این ارتباط متقابل، بیش از یک نفر در رفتارهای کلامی و یا غیرکلامی دو طرفه مشارکت می‌کند. متخصصان از جمله ورایت (Warayet) (۲۰۱۱) در بحث از این نوع یادگیری از برخی اصطلاحات مانند مشارکت (Participation)، تعامل (Engagement)، و حرکات بدنی (Embodied Action) استفاده می‌کنند. بنظر این صاحب‌نظران، مشارکت به همه روشهایی که معلم برای شرکت دادن هرچه بیشتر دانشجویان در فعالیتهای کلاسی انجام می‌دهند، گفته می‌شود. به عبارت دیگر، مشارکت به معنای انجام گفتگو و همه روشهای دیگر مداخله هست. برای مثال، دانشجویانی که به مباحث آموزشی استاد گوش می‌دهند گرچه در کلاس ظاهراً ساکت هستند اما در فرآیند فعالیتهای کلاسی مشارکت دارند. بنابراین، در مطالعه حاضر مشارکت در معنای آن در روش سنتی استاد محوری مورد توجه نیست بلکه به معنای روشهای که معلم در ارتباطات متقابل کلاسی به منظور شرکت دادن دانشجویان در فرآیند آموزش و یادگیری بکار می‌گیرد است. بنظر او تعامل یک نوع مداخله کلاسی محسوب می‌شود. این نوع مداخله شامل تعامل‌های کلامی و غیرکلامی می‌شود. از نظر ایشان حرکات بدنی به معنای انجام کارهایی است که معلمان کلاس برای شرکت دادن دانشجویان در فعالیتهای کلاسی انجام می‌دهند. بدین معنا که معلمان، بجای رفتار کلامی، برخی رفتارهای مشخص غیرکلامی را در فعالیتهای کلاسی شفاهی بکار می‌گیرند. این رفتارها شامل برخی حرکات بدنی مانند حالات ظاهری، حالت‌های خیره شدن و جهت‌گیری‌های بدن می‌شوند. متخصصان از جمله هادسون (Hudson) (۲۰۱۱) بر این عقیده هستند که موضوع حرکات بدنی به دلیل وجود مشکلات عملی (Practicality) مشخصه‌های کلامی زبان و عدم امکان ضبط ویدئویی (Videotaping) مورد غفلت قرار گرفته است. اما که اخیراً در یادگیری زبان انگلیسی مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری تحقیق

در راستای نظریه ویگوتسکی (Vygotsky) (۱۹۷۸)

مبنی بر اینکه ارتباط متقابل ذهنی تعدیل یافته (Mind Moderate Interaction) با دیگران با استفاده از نشانه‌ها انجام می‌شود؛ مطالعه حاضر، حرکات‌های بدنی را به عنوان بخشی از این نشانه‌ها که در آنها زبان و حرکات بدنی ترکیب می‌شوند و نقش قابل توجهی در فرایند یادگیری دارند، مورد بررسی قرار داد. بویژه ترکیب حرکات بدنی و تمرین‌های کلاسی و تاثیر ساخت‌های فرهنگی مانند کلمات روی تفکر مورد ارزیابی قرار گرفتند. علاوه بر این، تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخ به این سوال بود که آیا حرکات بدنی معلم به یادگیری کمک می‌کنند و اینکه آیا دانشجویان از این حرکات معلم استفاده می‌کنند.

به نظر لاری و ونگر (Lavea and Wenger) (۱۹۹۱)،

ویگوتسکی در مبحث منطقه احتمالی رشد (Zone Of Proximal Development) معتقد است که فراگیران زبان نمی‌توانند بدون کمک دیگران یادگیرند. یادگیری جمعی نسبت به یادگیری فردی بسیار کارآمدتر و موثرتر است. با عنایت به این نظر، در تحقیق حاضر نیز، از آنجائیکه فراگیران زبان با همدیگر و نیز با استاد خود در کلاس درس تعامل اجتماعی داشتند؛ داده‌های بدست آمده طبق دیدگاهی که مشارکت در یادگیری را مورد تاکید قرار می‌دهد تحلیل و ارزیابی شدند.

بنظر ویگوتسکی هر رفتار در طول رشد کودک دوبار رخ می‌دهد. اول در سطح اجتماعی و سپس در سطح فردی. این جابجایی عملکرد بیرونی (External Operation) با عملکرد درونی (Internal Operation) را درونه سازی (Internalization) گویند. همچنین یادگیری زبان باید در ارتباط متقابل اجتماعی و حرکات بدنی دیگران بویژه معلم نسبت به فراگیران اتفاق بیافتد. در ارتباط با درونه‌سازی در محیط کلاس در این تحقیق لازم است اشاره شود که فراگیران در آغاز حرکات بدنی معلم را نشانه‌ای بیرونی قلمداد می‌کنند؛ اما وقتی که فراگیران حرکات را می‌پذیرند درونه سازی می‌شوند. بعلاوه، براساس یافته‌های مطالعه لوریا (Luria) (۱۹۸۲-۱۹۷۹) فعالیت فرهنگی مانند آموزش می‌تواند تفکر را تغییر دهد لذا مطالعه حاضر بدنبال آن بود که مشخص کند یادگیری زبان خارجی در کلاس درس چگونه می‌تواند تفکر را تغییر دهد. همچنین، براساس نتایج مطالعات انجام شده توسط لوریا، زبان نقش موثر و قابل توجهی در تعدیل رفتار بازی می‌کند. بر این اساس در

مطالعه حاضر نیز، حرکات زبانی که دانشجویان برای تعدیل رفتار در کلاس از آنها استفاده می‌کردند مورد بررسی قرار گرفت. نقش جسمیت یافتگی (Embodiment) در کمک به دانشجویان زبان خارجی که تلاش می‌کنند خود تنظیمی در رفتارهای خود داشته باشند و زبان و حرکات بدنی را درونه سازی کنند نیز مورد توجه قرار گرفت.

اهداف تحقیق

از آنجائیکه حرکات بدنی می‌تواند بر تدریس معلم و یادگیری فراگیران تاثیر بگذارد؛ هدف مطالعه حاضر تحلیل و ارزیابی تاثیر حرکات بدنی بر یادگیری زبان خارجی در کلاسهای زبان انگلیسی در دانشگاه بود.

سوالات تحقیق

در این مطالعه هدف این بود که به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

1. اساتید آموزش زبان از چه حرکات بدنی برای تسهیل یادگیری در کلاس درس استفاده می‌کنند؟
2. شناخت و آگاهی این اساتید از حرکات بدنی که در کلاس درس انجام می‌دهند چگونه است؟ آیا اساتید برای مثال برنامه‌ای خاص برای کنترل آگاهانه حرکات بدنی در کلاس درس دارند؟
3. آیا اساتید زبان به صراحت حرکات بدنی خاصی را تدریس می‌کنند؟
4. دانشجویان تا چه میزان از انجام حرکات بدنی استاد آگاهی و شناخت دارند و از آنها تاثیر می‌پذیرند؟

۲. پیشینه تحقیق

موضوع حرکات بدنی معلم در کلاسهای زبان دوم یک حوزه نسبتاً نوظهور در تحقیق می‌باشد و لازم است که در مورد آن تحقیقات بیشتر صورت گیرد. مطالعه کیفی حاضر که متمرکز بر تدریس یک استاد زبان انگلیسی و فعالیتهای یادگیری دانشجویانش است می‌تواند قدمی موثر در این راستا است.

ماتسوموتو و دوبس (Matsumoto and Dobs)

(۲۰۱۶) نقش حرکات بدنی در یادگیری دستور زبان در کلاس

زبان دوم را بررسی کردند. داده‌های این مطالعه که بصورت تصویری ضبط شده بودند از یک کلاس دستور زبان مبتدی و یک کلاس پیشرفته در یک دانشگاه ایالات متحده آمریکا جمع‌آوری شدند. تعاملات صورت گرفته (-talk-in interaction) عبارت بودند از حرکات استاد برای توضیح مفاهیم زمان در انگلیسی و حرکات دانشجویان برای پاسخ به حرکات معلم. نتایج تحلیل داده‌های این تحقیق نشان داد که استاد و دانشجویان در کلاس بطور مکرر از حرکات اشاره ای انتزاعی (abstract deixis) و حرکات استعاری استفاده کردند که می‌تواند از منابع مهم برای آموزش و ارزیابی یادگیری فراگیران به شمار آید. همچنین دانشجویان برای نشان دادن اینکه زمان را خوب یاد گرفته اند و نیز برای حفظ ارتباط موثر با معلم از زنجیره حرکات بدنی زیاد استفاده کردند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که حرکات بدنی یک مولفه مهم ارتباطی برای تقویت یادگیری در کلاسهای دستور زبان دوم است.

دانشجویان همیشه آنچه را که استاد به آنها می‌گوید را درک نمی‌کنند. چه عواملی روی شناخت و یادگیری آنها ازگفتمان آموزشی (Instructional Discourse) تاثیر می‌گذارند؟ به نظر می‌رسد همان عواملی که روی فهم شنوندگان از زبان شفاهی تاثیر می‌گذارند روی فهم و درک دانشجویان از گفتمان آموزشی نیز تاثیر می‌گذارند. یکی از این عوامل حرکات بدنی یا همان زبان بدن استاد است که در تدریس بکار می‌گیرد.

لیو، ژنگ، چن، ونگ، یان، و شی (Liu, Zhang, Chen, Wang, Yuan and Xie) (۲۰۲۰) معتقدند که کاربرد حرکات بدنی معلمان در کلاس درس بر مبنای نظریه بازنمودی متعدد (multiple representation theory) همواره مورد توجه بوده است؛ و این حرکات براساس این نظریه قابلیت رشد دارند. براین اساس، حرکات بدنی باید روزبروز کیفیت بهتری پیدا کنند تا بتوانند تدریس و یادگیری را به نحو شایسته تسهیل کنند حرکات بدنی ۶ معلم شامل ۳ معلم تازه کار و ۳ معلم با تجربه از طریق تحلیل ویدئویی بررسی شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که استفاده از نظریه بازنمودی متعدد، نقش حرکات بدنی را پررنگ تر می‌کند. بعلاوه، این روش می‌تواند مشخصه‌های مختلف حرکات بدنی معلمان مختلف را بر حسب تجربه معلم تفکیک کند.

طبق نظر ویلسون، باترایت و ملانی (Wilson,) Boatright, and Melanie (۲۰۱۴) حرکات بدنی مانند کلمات مکتوب با توجه به محتواهای مختلف که معلمان تدریس می‌کنند به صورت‌های مختلف ظاهر می‌شوند.

ماتسوتو و کاناگاراچه (Matsumoto & Canagarajah) (۲۰۲۰) در مطالعه خود به بررسی تلاش گروهی مشارکت‌کنندگان چندزبانه در کلاس زبان انگلیسی برای یافتن و چینش واژه‌ها و عباراتی که می‌خواستند بیان کنند و استفاده از حرکات بدنی مانند گره کردن دست و خیره شدن و ... برای تقویت این فرآیند پرداختند. در این پژوهش، گفتگوی چندسطحی یک زوج در پشت یک میز شام در یک خوابگاه دانشجویان خارجی در ایالات متحده آمریکا را از طریق ارتباط تصویری مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد حرکات خیره شدن و گره کردن دست بر بهبود ارتباط و رفع موانع و مشکلات ارتباطی میان این زوج تاثیر گذار بود..

طبق نظر موندادا (Mondada) (۲۰۱۴) مودالیتی‌های چندگانه (multimodality) به منابع ارتباطی مختلف گفته می‌شود که کنش‌گران ارتباط برای سازماندهی رفتارهای خود از آنها استفاده می‌کنند؛ مواردی از قبیل حرکات بدنی، خیره شدن، حالت‌های بدن، جابجایی‌های بدن، و زبرزنجرها. بررسی شدند. مودالیت‌های چندگانه شامل منابع ارتباطی مختلف می‌شود که دارای ویژگی سلسله‌مراتبی بوده و از نوع کلامی و یا غیرکلامی هستند.

مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲) به چهارنوع حرکت دست و بازو اشاره می‌کند که در مکالمه و گفتگو بکار گرفته می‌شوند این حرکات را تصویرگونگی (Iconics)، استعاره (Metaphorics)، اشاره (Deictics)، و ضربه (Beats) می‌نامد. تصویرگونگی: تصویرگونگی یک رویداد واقعی و یا رفتار عینی هست که در گفتار استفاده می‌شود. همچنین گفته شده که تصویرگونگی محتوای معنایی گفتار را نشان می‌دهد. تصویرگونه‌های بدنی را می‌توان یا کینتوگرافی (Kinetographic) تعریف کرد مانند جارو کردن کف اتاق و یا پیکتوگرافی (Pictographic) مانند نمای کلی شکل یک جعبه.

استعاره: استعاره مانند تصویرگونگی است؛ با این حال، استعاره ایده‌های ذهنی را بیشتر نشان می‌دهد. مک نیل

McNeill (۱۹۹۲) تاکید می‌کند که استعاره‌ها مشابه تصویرگونگی هستند چون یا محتوای تصویری و یا محتوای کینتوگرافیک دارند، اما محتوای تصویری آنها یک ایده ذهنی را نشان می‌دهد.

اشاره‌ها (Deictics) بنظر هادسون (Hudson) (۲۰۱۱) شامل اشاره واقعی و یا اشاره استعاری است. مثلا اشاره انگشت به یک چیز در اطراف و یا اشاره دست به عقب برای اینکه زمان گذشته را نشان دهیم. ضربه از نظر او حرکتی بدنی است برای نشان دادن ریتم و تاکید. ضربه هیچ ارتباطی با مشخصه معنایی گفتار ندارند. اگرچه ضربه ممکن است یک نقش ارجاعی داشته باشد اما کاربرد اساسی آن برای تنظیم جریان گفتار است.

از نظر ایشان مردم از حرکات بدنی برای سازماندهی معنا و فکر استفاده می‌کنند. ترکیب زبان و حرکات بدنی معنا را موثرتر انتقال می‌دهد. حرکاتی که جنبه فرهنگی دارند روی فکر تاثیر می‌گذارند. گلدین-مدوف (Goldin-Meadow) (۱۹۹۹) از دیدگاه مک نیل حمایت می‌کند و معتقد است که حرکات بدنی می‌توانند معرف افکار و احساسات باشند. او همچنین معتقد است که این حرکات برای فهم گفتمان شفاهی بسیار بااهمیت است. و حرکات بدنی نه تنها ابزار فکر گویشوران هستند بلکه یک نوع ابزار ارتباطی برای شنونده‌ها نیز به شمار می‌روند. در یک مطالعه‌ای دیگر، سیف الدین پور و کیتا (Seyfeddinipur and Kita) (۲۰۰۱) به این نتیجه می‌رسند که وقفه و تعلیق در حرکات بدنی تعلیق و وقفه در گفتار را به همراه دارد. به عبارت دیگر، همانگونه که گویشوران در گفتار خود توقف می‌کنند در حرکات بدنی خود نیز توقف و مکث می‌کنند.

ساتو (Sato) (۲۰۲۰) اثرات حرکات بدنی معلمان ژاپنی EFL بر کیفیت گفتار در زبان دوم را مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه نشان داد که کیفیت گفتار در زبان دوم با انجام حرکات بدنی پیچیده‌تر و روان‌تر می‌شد اگرچه در رابطه میان برخی حرکات با گفتارهای زبان دوم تفاوت وجود داشت بدین صورت که حرکات استعاری تنوع و روانی گفتارهای زبان دوم را تقویت می‌کرد و اما حرکات نشانه‌ای در این مورد تاثیری نداشتند. این نتایج همچنین نشان می‌دهند که حرکات معلمان نقش اساسی در کلاس‌های EFL ایفا می‌کردند و بنابراین لازم است که در برنامه‌های آموزشی به این

مورد توجه بیشتر شود.

داهل و لودویگسن (Dahl and Ludvigsen)

(۲۰۱۴) | به مشاهده یک کلیپ ویدئویی که در آن گوینده‌ای تصویری کارتونی را برای گروهی از فراگیران کلاس هفتم و هشتم زبان انگلیسی توصیف می‌کرد در حالی که تصویر برای فراگیران نشان داده نمی‌شد پرداختند. مشاهدات این پژوهشگران نشان داد که هر زمان گوینده برای بیان مقصود خویش از حرکات بدنی استفاده می‌کرد درک مطلب فراگیران راحت تر انجام می‌گرفت.

آشوین و گادتی (Ashwin, Guddeti) (۲۰۲۰)

گزارش دادند که در اغلب موارد تغییر حالت ظاهری مثل چهره درهم کشیدن به فراگیران کمک می‌کند تا احساسات درونی را بهتر درک کنند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که در بیش از ۷۰ درصد شناخت عصبانیت با تغییر حالت های بدن بدست می‌آید.

لویکا، ناکات سوکاسا و بریور (Liuka,)

(Nakatsukasa, and Braver) (۲۰۲۰) در پژوهشی نقش حرکات بدنی در یادگیری واج‌شناسی زنجیری (segmental phonology) را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه. مواردی از قبیل اثرات دست تکان دادن از جمله کف زدن روی بهبود آواهای زبان دوم شامل مصوت های بلند و صامت های مشدد مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در پس آزمون ادراک محور تاخیری دانشجویانی که عمل کف زدن را مشاهده و اجرا کردند موفقتر عمل کردند. بعلاوه، حرکت بدنی کف زدن به تقویت حافظه در یادگیری فنولوژی تقطیعی کمک می‌کند.

به نظر هادسون (Hudson) (۲۰۱۱) و اسموتروا

(Smotrova) (۲۰۱۷) حرکات بدنی با هدف افزایش اثرات آموزش تلفظ در کلاس‌های زبان دوم بیش از پیش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در زمینه مشخصه‌های زبرزنجیری، معلمان زبان، مثلا، از جابجایی‌های بدن به سمت بالا، ضربه زنی با انگشت، کف زدن، و اشاره سر برای تجسم و یادگیری بهتر تکیه واژگان و الگوهای ریتمیک در زبان مقصد استفاده کرده‌اند.

در چندین پژوهش تجربی مزایای حرکات بدنی برای یادگیری تلفظ مشخصه‌های زبرزنجیری از سوی دانشجویان زبان دوم مورد تایید قرار گرفته است. مثلا، یافته‌های پژوهش زوهانگ، بیلز و پریئو (Zhang, Baills and Prieto)

(۲۰۱۸) نشان داد که تک زبانه‌های چینی با کف زدن الگوهای ریتمیک کلمات فرانسوی را بهتر یاد می‌گرفتند. همچنین، مطالعه یوان ، گونزالز-فونت، بیلز و پریئو-González-Yuan, (Fuente, Baills, and Prieto) (۲۰۱۹) و همکاران نشان داد که حرکات بدنی استعاری و زیرو بمی (pitch) به دانشجویان کمک کردند تا الگوهای زیرو بمی در زبان اسپانیایی و زبان انگلیسی را تقویت کنند.

بررسی پیشینه موضوع پژوهش حاضر همچنین نشان داد که آموزش و یادگیری حرکات بدنی در آموزش و یادگیری و جنبه‌های فرهنگی آنها مورد توجه محققان و متخصصان آموزش زبان بوده است. موهان و هلمر (Mohan and Helmer) (۱۹۸۸) معتقدند که کودکان می‌توانند حرکات بدنی زبان دوم را اگر در محیط انگلیسی زبان قرار بگیرند فراگیرند. سفدی و ولنتاین (Safadi and Valentine) (۱۹۸۸) و نیز ولفگانگ و ولوفسکی (Wolfgang and Wolofsky) (۱۹۹۱) در پژوهشی دریافتند در تشخیص حرکات بدنی بین کودکان بومی و غیربومی تفاوت وجود دارد بطوریکه کودکان بومی توانستند نیمی از حرکات مورد مطالعه را تشخیص دهند اما کمتر از نیمی از آنها را برای کودکان غیربومی قابل تشخیص بود. یک نکته کاربردی که مورد توجه لازارتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) قرار گرفته ماهیت خاص فرهنگی حرکات بدنی است که ایجاب می‌کند معلمان زبان دوم برای اجتناب از سردرگمی فراگیران، نسبت به حرکات بدنی خود آگاهی و شناخت کافی داشته باشند.

در بررسی پیشینه موضوع همچنین مشخص شد مطالعاتی هم در مورد کاربرد زبان بدن در کلاس زبان خارجی انجام شده است. آلن (Allen) (۱۹۹۵) در مطالعه خود که تعداد ۱۱۲ دانشجوی رشته زبان فرانسه در آن شرکت داشتند به بررسی و تحلیل تاثیر نشانه‌ها (Emblems) در یادگیری زبان فرانسه توسط آنان پرداخت. نتایج این تحلیل نشان داد دانشجویانی عبارات فرانسوی که همراه با نشانه‌ها (Emblems) یاد گرفته بودند نسبت به دانشجویانی که این عبارات را بدون همراهی حرکات نشانه‌ای (Emblematic) یاد گرفته بودند در پس آزمون (Post-test) توانایی بیشتر در یادآوری عبارات داشتند.

آلن (Allen) (۲۰۰۰) در توصیف مشاهده خود از

روش آموزش زبان اسپانیایی یک معلم دبیرستان بیان می‌کند که این معلم از انواع مختلف حرکات از جمله نشانه‌ها در کلاس درس در حد زیادی استفاده می‌کرد که موجب تسهیل یادگیری فرگیران می‌شد.

لازارتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) در پژوهش خود که به روش خودارزیابی و تحلیل خرد انجام شد و متمرکز بر بخشی از دستور زبان در یک کلاس دانشگاهی با استفاده از حرکات بدنی بود. به این نتیجه رسیدند که حرکات بدنی نقش مهمی در یادگیری دستور زبان ایفا می‌کند.

فاراکو و کیدا (Faraco And Kida) (۲۰۰۸) با مطالعه فرآیند یادگیری زبان دانشجویان زبان فرانسوی بعنوان زبان دوم به دریافتند که رفتارهای غیرکلامی مثل خیره‌شدگی، مشخصه‌های زبرنجیری (Prosodic) به فراهم نمودن شرایط تلاش برای انتقال و دریافت معنا کمک می‌کنند.

طبق نظر سیمه (Sime) (۲۰۰۶) در بیشتر مطالعات راجع به استفاده دانشجویان زبان از حرکات بدنی، رابطه میان اثربخشی آموزش زبان خارجی و تعداد حرکات استفاده شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مثلا، یافته‌های پژوهش کیتا (Kita) (۱۹۹۳) و نوب (Nobe) (۱۹۹۳) نشان داد که دانشجویان بزرگسال زبان خارجی نسبت به گویشوران بومی و گویشوران زبان خارجی از حرکات بیشتری استفاده می‌کردند و مشکل آنها در بیان زبان با افزایش میزان حرکات مرتفع می‌شد.

استام (Stam) (۱۹۹۹) معتقد است که در سطوح پیشرفته کارآمدی بار شناختی بر نموده‌های زبانی افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه استفاده از زبان بدن از سوی یک گویشور را کاهش می‌دهد. برخلاف استراتژی‌های ارتباطی کلامی، گولبرگ (Gullberg) (۱۹۹۸) کاربرد استراتژی‌های ارتباطی زبان بدن از سوی گویشوران زبان خارجی فرانسوی و سوئدی را مورد بررسی قرار داد. نتایج این مطالعه نشان داد که حرکات استراتژیک مکمل نسبت به حرکات استراتژیک جایگزین در محیط زبان خارجی کاربرد بیشتری دارند. بعلاوه، گویشوران زبان خارجی نسبت به گویشوران زبان بومی بیشتر از ترکیب استراتژی‌های کلامی و غیرکلامی استقبال می‌کنند. یافته‌های پژوهش گولبرگ نشان داد که گویشوران زبان خارجی از زبان بدن به عنوان استراتژی‌های ارتباطی استفاده می‌کنند و تفاوت‌هایی بین افراد در میزان

استفاده و نیز نوع حرکات مورد استفاده وجود دارد.

هوگ (Hauge) (۲۰۰۰) در پژوهشی کاربرد نشانه‌ها (Emblemes) به عنوان نشانه‌های ساختاریافته را مورد بررسی قرار داده و نشانه‌های خاص کلاس زبان انگلیسی را مشخص کرد. نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که استفاده از نشانه‌ها در حرکات بدنی اساتید نسبت به انواع دیگر رفتارهای غیرکلامی بیشتر و این حرکات استاد مثل رفتار کلامی او متناسب با برنامه کلاس درس بود.

علی‌رغم وجود تفاوت‌های فرهنگی و نقش کمکی زبان بدن برای دانشجویان زبان، مطالعات پیشین راجع به کاربرد زبان بدن در کلاس‌های درس به ندرت در قالب یک نظریه یکپارچه یادگیری انگلیسی بعنوان زبان خارجی انجام شده‌اند. لانتولف و اپل (Lantolf and Appel) (۱۹۹۴) با تکیه بر چارچوب فرهنگی-اجتماعی برای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی مکانیسم‌هایی را پیشنهاد دادند. با عنایت به این مکانیسمها و نیز کار ویگوتسکی (Vygotsky) (۱۹۷۸، ۱۹۸۶) در حیطه نظریه فرهنگی اجتماعی، در مطالعه حاضر بر نقش محوری تعامل اجتماعی که طی این تعامل استفاده از حرکات بدنی نقش پررنگی پیدا می‌کند در فرایند یادگیری زبان دوم تاکید شد. مفهوم ناحیه احتمالی رشد (Zone Of Proximal Development) یک موضوع محوری در نظریه ویگوتسکی برای توصیف توانایی مستقیم یک فرد برای رشد و تحول شناختی است. بنظر ویگوتسکی، یادگیری در ناحیه احتمالی رشد به عنوان یک ناحیه در حال پیشرفت که فراگیر در آن ناحیه کاری را که بتنهایی نمی‌تواند انجام دهد با راهنمایی بزرگسالان و یا همکلاسان انجام می‌دهد اتفاق می‌افتد.

مطالعه حاضر که متمرکز بر کلاس آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه بود می‌تواند دایره مطالعات مرتبط در پیشینه را بسط دهد. لازارتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) در تحقیقی با تحلیل خرد حرکات بدنی یک استاد زبان انگلیسی به فقدان تحقیق راجع به زبان بدن در یادگیری زبان دوم اشاره می‌کند و تصریح می‌کند که زبان بدن صرفا در بحث راجع به توانش راهبردی (Strategic Competence) و نیز رفتار حیوانات مورد توجه قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر برخی خلأهای موجود در تحقیقات موجود را پر می‌کند از جمله:

۱. استاد در مورد خود آگاهی نسبت به زبان بدن و نیز

رفتارهای غیرکلامی دیگر خود توضیح می‌دهد ۲. او همچنین چگونگی سازماندهی رفتارهای غیرکلامی خود در کلاس درس را و اینکه چه رفتارهای غیرکلامی را آموزش می‌دهد توضیح می‌دهد. ۳. دانشجویان زبان انگلیسی در مورد خود آگاهی نسبت به رفتارهای غیرکلامی استاد خود در کلاس درس و نیز چگونگی واکنش خود به این رفتارهای غیرکلامی توضیح می‌دهند، ۴. و اینکه دانشجویان تا چه میزان از کاربرد رفتارهای غیرکلامی در تعامل با دیگران خود آگاهی و شناخت دارند و همچنین رفتارهای غیرکلامی تا چه میزان بر یادگیری زبان انگلیسی آنان تاثیر می‌گذارند نیز بررسی می‌شود.

۳. روش تحقیق

طبق نظر لازاراتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) روش استفاده شده در این مطالعه برای نشان دادن زبان بدن ترانسکرایب second-line نامیده می‌شود که به موجب آن حرکات بدنی با علائم ایتالیایی، پرانتز و نمایش داده شده- اند. همه مثال‌های مربوط به رفتارهای غیرکلامی استاد در کلاس درس طبق روشهای ارائه شده مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲) راجع به ترانسکرایب زبان بدن آورده شده‌اند. الگوهای قراردادی دیگر ترانسکرایب مطابق با الگوهای ارائه شده ژوا (Zhao) (۲۰۰۷) نیز بکارگرفته شده‌اند.

شرکت کنندگان

شرکت کنندگان در تحقیق شامل یک استاد با مدرک دکترای تخصصی و تعداد ۲۰ دانشجوی زبان خارجه درس زبان عمومی سطح پیش متوسط بودند. نمونه گیری از نوع تصادفی ساده بود.

جدول ۱: اطلاعات شرکت کنندگان تحقیق

سن	استاد	نمونه برداری	دانشجو
۴۲	-	-	۲۰-۲۸
جنسیت	زن	-	زن
تعداد	۱	-	۲۰
زبان بومی	فارسی	-	فارسی
زبان دوم	انگلیسی	-	انگلیسی
زبان سوم	فرانسوی	-	-
سطح	دکتری	تصادفی ساده	متوسط
تابعیت	ایرانی	-	ایرانی
تجربه	۱۲	-	-

ابزارهای تحقیق

ابزارهای تحقیق عبارت بودند از پرسشنامه زمینه‌یابی (Background) استاد، مشاهده، یک مصاحبه غیررسمی نیمه ساختار یافته با استاد، و یک نظرسنجی مکتوب از دانشجویان شرکت کننده.

پرسشنامه

از یک پرسشنامه لیکرت (Likert) کوتاه با تعداد ۲۰ سوال که توسط هادسون (Hudson) (۲۰۱۱) ساخته شده بود استفاده شد. این پرسشنامه از طریق ایمیل برای استاد ارسال شد و از استاد خواسته شد که پاسخ پرسشنامه را یا از طریق ایمیل و یا بصورت نسخه چاپی ارسال کند. که استاد پرسشنامه را تکمیل نمود و بصورت نسخه چاپی برای محقق ارسال کرد.

مشاهده

از دو دوربین ضبط ویدئویی در این تحقیق استفاده شد. یک دوربین ضبط ویدئویی در انتهای کلاس برای ضبط ویدئویی حرکات استاد تعبیه شد و دوربین ویدئویی دیگر در جلوی کلاس برای تصویربرداری از دانشجویان تعبیه شد. در پایان و پس از انجام مشاهدات، حرکات غیرکلامی بکارگرفته شده در کلاس درس مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند.

نظرسنجی

از دانشجویان نیز نظرسنجی به عمل آمد (در این مورد به ضمیمه ب نگاه کنید). در این بخش نیز از پرسشنامه هادسون (Hudson) (۲۰۱۱) استفاده شد. تعداد ۷ نفر از تعداد ۱۵ نفر از کل دانشجویان نظرسنجی‌های مکتوب را عودت دادند (همه دانشجویان خانم بودند) (در این مورد به ضمیمه ب راجع به سوالات نظرسنجی نگاه شود).

مصاحبه

پس از مشاهده و تحلیل کلیپ‌های ویدئویی یک مصاحبه فردی و کوتاه و نیمه ساختار یافته که محقق از الگوی هادسون (Hudson) (۲۰۱۱) بدست آورده بود با استاد انجام گرفت (به ضمیمه د راجع به سوالات پیشنهادی مصاحبه نگاه کنید). اگرچه این مصاحبه نیمه ساختاریافته بود اما مشوق های لازم برای بحث باز و ارائه نظر وجود داشت. بخش‌هایی

از کلیپ ویدئویی دربرگیرنده رفتارهای غیرکلامی استاد برای کنترل و ارزیابی در اختیار استاد گذارده شد. مصاحبه استاد ضبط صوتی شد (به ضمیمه الف راجع به سوالات مصاحبه با استاد نگاه کنید).

روش گردآوری داده‌ها

مشاهدات این تحقیق در یک کلاس درس انگلیسی عمومی پیش متوسط در دانشگاه انجام گرفت. پیش از شروع تحقیق مجوز لازم از دانشگاه شيراز اخذ شد. در این تحقیق شرکت اساتید و نیز دانشجویان آنها در کلاس درس طبق برنامه زمان بندی مشاهده شد. برای دعوت از استاد برای شرکت در این مطالعه از طریق ایمیل با ایشان ارتباط برقرار شد. پس از قبول دعوت از سوی ایشان برای شرکت در مطالعه یک برگه رضایت نامه به ایشان داده شد. و پس از امضاء عودت داده شد. داده‌های لازم در ساعات معمول کلاسی گردآوری شدند. یک رضایت نامه نیز برای اخذ امضاء در اختیار دانشجویان قرار داده شد و همچنین به آنها فرصت داده شد تا پیش از شروع تحقیق سوالات خود را بپرسند. محقق پیش بینی می‌کرد که کارایی تحقیق در اثر توجه (Attention) و نه تغییر در متغیرهای تحقیق افزایش پیدا کند. چنانچه دانشجویی فرصت شرکت در مطالعه را نداشت از او خواسته می‌شد تا در یک موقعیت خارج از دسترس دوربین بنشیند. چنانچه هیچکدام از دانشجویان برای شرکت در مطالعه اعلام آمادگی نمی‌کردند کار ضبط ویدئویی در زمان دیگر انجام می‌گرفت. با این حال، همه دانشجویان برای شرکت در مطالعه اعلام آمادگی کردند. کار فیلمبرداری از تدریس استاد به دانشجویان در کلاس درس در ۵ هفته اول از یک دوره زبان انگلیسی ۱۶ هفته‌ای به مدت ۱:۳۰ ساعت و ۲ جلسه در هفته انجام شد. در انجام مشاهدات تحقیق بیش از هرچیز بر حرکات بدنی استاد تمرکز شد و همچنین الگوهای حرکات بدنی استاد مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت و از یک چارچوب فرهنگی-اجتماعی برای توضیح و تبیین چگونگی تاثیرگذاری حرکات بدنی بر یادگیری و آموزش زبان و نیز ایجاد معنا استفاده شد.

روش تحلیل داده

روش استفاده شده برای توصیف حرکات بدنی در این

تحقیق ترانسکرایب second-line نامیده می‌شود که به موجب آن حرکات بدنی با نشانه‌های ایتالیک، پراتز و غیره نمایش داده می‌شود. همه حرکات‌های بدنی استاد مطابق با روشهای ارائه شده از سوی مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲) برای به ترانسکرایب حرکت بدنی ترانسکرایب شدند. در ضمیمه الف همه الگوهای قراردادی ترانسکرایب داده شده‌اند.

۴. نتایج

دستورزبان

حرکات بدنی دستورزبانی در داده‌ها مطابق با حرکات اشاره‌ای (Deictic) و تصویرگویی (Iconic) تقسیم‌بندی شدند.

حرکات بدنی اشاره‌ای زمان فعل

زمان گذشته

برای تبیین تعریف دستوری زمان فعل استاد از چندین حرکت بویژه برای زمان گذشته ساده استفاده کرد. برای مثال، استاد تصمیم گرفت که در مورد یک سفر تابستانی صحبت کند و در تلاش برای توضیح زمان گذشته بود؛ او در اغلب موارد از حرکات اشاره‌ای برای نشان دادن زمان گذشته استفاده می‌کرد گویی که این زمان در پشت سر او قرار داشت. او در این مورد بطور منظم از انگشت شست استفاده می‌کرد. همچنین استاد برای نشان دادن زمان حال به سطح اشاره می‌کرد.

در شکل ۱۱ استاد برای دانشجویان توضیح می‌داد که به هنگام صحبت در مورد یک سفر در تابستان سال ۲۰۱۸ می‌بایست از افعال در زمان گذشته استفاده شود. در عکسهای بعدی که این مثال را نشان می‌دهند، استاد بطور همزمان هم به پشت سر خود اشاره می‌کرد و هم با پای راست به سمت عقب گام برمی‌داشت تا بدین وسیله زمان گذشته را برای فراگیران تداعی نماید. او برای اشاره به پشت سرش مخصوصاً دست راست خود را بلند می‌کرد. در شکل ۱ استاد در حال توضیح دادن در مورد زمان گذشته ساده بود.



شکل ۱: کلاس ۲ در زمان ۲۰:۱۴

[استاد از انگشت شست دست راستش برای اشاره به پشت سرش استفاده کرد.]

< با پای راستش به سمت عقب گام برداشت. >

استاد به هنگام توضیح در مورد زمان گذشته ساده این حرکت را بارها انجام می‌داد. او دستان خود را پایین می‌انداخت و کف دستانش را باز نگه می‌داشت، وی برای اشاره به زمان گذشته از دست راست خود استفاده می‌کرد. (شکل ۲)



شکل ۲: کلاس ۲ در زمان ۲۰:۱۷

استاد: از شما می‌خواهم تا برای صحبت در مورد سفر در تابستان از افعال گذشته استفاده کنید...

[او کف دست راست خود را باز کرد و با انگشت شست

آن به پشت سرش اشاره نمود.]

استاد از این اشارات برای نشان دادن زمان گذشته استفاده می‌کرد. او گاهی اوقات از اشارات بدون حرکت بدن و گاهی اوقات نیز فقط از حرکت بدن استفاده می‌نمود.

زمان حال

استاد برای توضیح فعل زمان حال از برخی اشارات استفاده می‌کرد. او به سمت جلو می‌رفت و برای نشان دادن زمان حال در برابر زمان گذشته به زمین اشاره می‌کرد. او از اشاره‌ی رو به عقب برای توضیح زمان گذشته استفاده می‌کرد.

در مثال زیر (مثال شماره ۱)، استاد برای نشان دادن زمان حال با یک مداد به سمت پایین اشاره می‌کرد.

مثال ۱ از کلاس ۴ در زمان ۱۴:۳۰

استاد: پیرمرد هنوز زنده‌ست.

[دست راست وی با یک مداد به سمت زمین اشاره داشت در حالیکه به سمت بالا و پایین نیز حرکت می‌کرد.]

سرانجام، استاد به توضیح اختلاف معنایی میان سن سیزده سالگی و سی سالگی پرداخت.

او برای نشان دادن سن سیزده سالگی دستش را به سمت جلو و برای نشان دادن سن سی سالگی به سمت عقب برد.

مثال ۲ از کلاس ۴ در زمان ۱۴:۹

استاد: زهرا سیزده سال دارد.

[انگشت دست راست خود را به سمت جلو کشید.]

سیزده

[اواز انگشت شست دست راست خود برای اشاره به

پشت سر خود استفاده کرد.]

سن خودم

[کف دست چپ خود را باز کرده و به سمت خودش

اشاره نمود.]

اشاره نمادین و حروف اضافه

در شکل ۳ استاد با راه رفتن و تغییر جهت فیزیکی خود به سمت دانشجویان مفهوم "به" را به آنها نشان داد. او همزمان با جلو رفتن جمله "من به مدرسه رفتم" را بیان می‌کرد. او با این کار عبارت قیدی "به مدرسه" را به تصویر می‌کشید.



شکل ۳: کلاس ۳ در زمان ۲۰:۳۰

استاد: من به مدرسه رفتم

[در حالیکه بازوانش در حال تاب خوردن بودند.]

< به سمت جلو حرکت می‌کرد. >

واژگان

اشارات واژگانی بر مبنای اشارات نمادین، استعاره‌ای، اشاره کننده، لمسی و بازتابی ترتیب بندی می‌شوند. بخش زیر به اشاره دانش آموزان اختصاص داده شده است.

اشارات نمادین

در شکل ۴ و ۵ استاد در حال معنا کردن زمان گذشته افعال بلعیدن و گرفتن بود. برای توصیف بلعیدن، معلم خود را در حال گذاشتن لقمه غذا در دهانش به تصویر می‌کشید.



شکل ۴: کلاس ۳ در زمان ۰۹:۵۷

استاد: پدر به شما می‌گوید که شما غذا را با حرص و ولع خوردید. کودکان نیز این چنین هستند.
(دست چپ و دست راست بطور یک در میان به سمت دهان جابجا می‌شوند طوری که به نظر می‌رسد شما خیلی سریع غذا می‌خورید؛ هر کدام از دست‌ها دوباره به سمت دهان حرکت می‌کنند).
علاوه بر این، استاد کلمه فاییدن را با محکم در دست گرفتن یکی از وسایل دانشجویان نشان می‌دهد.



شکل ۵: کلاس ۳ در ۰۹:۱۵

استاد: من مداد او را محکم در دست گرفتم. <.>
بیخشید.
(دست چپ و دست راست یک وسیله از دانشجو

را محکم در دست می‌گیرد).

> زانوها خم شده و با کمی فاصله خم می‌شوید؛ سپس استاد به دانشجو می‌گوید "بیخشید".

من محکم در دست گرفتم.

در اینجا دوباره شکل کوچکتر حرکت بدنی انجام

می‌شود در حالی که استاد وسایل را در دست دارد.

در شکل ۶ استاد حرکت بدنی خوردن را تقلید می‌کند.



شکل ۶: کلاس ۶ بازه زمانی: ۰۲:۴۵

استاد: شما پنیر خوردید

دست راست انگشتان در کنار یکدیگر که به دهان

نزدیک می‌شود و یا دهان ضربه کوچک وارد می‌شود.

در شکل‌های ۴، ۵ و ۶ حرکت‌های بدنی را برای نشان

دادن رفتارها انجام داد.

حرکت‌های بدنی استعاری

علاوه بر حرکت‌های بدنی تصویرگونه، استاد حرکت-

های بدنی استعاری را برای نشان دادن ایده‌های انتزاعی انجام

داد. در شکل ۷ استاد کلمه crazy را به عنوان یک نمونه از

حرکت بدنی استعاری بکار برد.



شکل ۷: کلاس ۴ در بازه زمانی ۱۸:۵۶

استاد: اههههه (Aghhh)، دیوانه به نظر می آید.
 {با دست راست موی سر را چنگ می زند و با انگشت
 اشاره دست چپ کناره های سر را لمس می کند.}

حرکات اشاره ای

بینایی

در شکل ۸ استاد با اشاره به چشمهای خود بینایی را
 نشان می دهد.



شکل ۸: کلاس ۲ در بازه زمانی ۴۵:۵۰

استاد: بویایی یکی از ۵ حس لامسه است.
 {دست راست را به سمت بینی می گیرد و بینی را لمس
 می کند و دست ها را بو می کشد.}

شنوایی

در شکل ۱۰ استاد برای نشان دادن شنوایی حرکت های
 بدنی اشاره ای و لامسه ای را با هم ترکیب می کند. در شکل
 ۱۰ نکته مهم حائز اهمیت این است که استاد بر خلاف یک
 دست از هر دو دست استفاده می کند.



شکل ۱۰: کلاس ۲ در بازه زمانی ۴۶:۰۷

استاد: ببین
 {انگشت اشاره دست چپ چشم چپ را نشان می دهد
 در حالی که انگشت اشاره دست راست به سمت انگشت
 دیگر رو به بالا اشاره می کند و اما در سطح شانه ثابت می
 ماند.}

حواس لامسه

بویایی

در شکل ۹ استاد با قرار دادن دست خود روی بینی اش
 و عمل دم از طریق بینی حس بویایی را نشان می دهد.

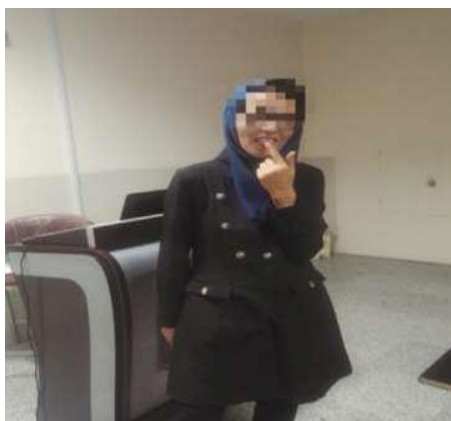


شکل ۹: کلاس ۲ در بازه زمانی ۳۲:۴۵

{انگشت اشاره دست چپ گوش چپ را نشانه می گیرد
 و آن را لمس می کند و انگشت اشاره دست راست گوش
 سمت راست را نشانه می گیرد و لمس می کند و سپس هر دو
 انگشت اشاره به سمت بالا گرفته می شوند.}

چشایی

استاد زبان خود را لمس می کند در حالی که حس
 چشایی را توضیح می دهد و یک مولفه لامسه به این حرکت
 بدنی اضافه می کند. (شکل ۱۱).



شکل ۱۱: کلاس ۳ در بازه زمانی ۲۳:۴۵

استاد: چشایی

{انگشت اشاره دست چپ زبان را لمس می‌کند.}

استفاده دانشجویان از حرکات بدنی

از دانشجویان خواسته شد که به مدت یک دقیقه از وقت کلاس در مورد تعطیلات تابستانی خود صحبت کنند. در این سمینارها، برخی از دانشجویان در اغلب اوقات از حرکات بدنی استفاده می‌کردند و برخی دیگر چندان از حرکات استفاده نمی‌کردند و یا اصلا حرکت بدنی نداشتند. در زمان انجام ضبط تصویری در کلاس، یکی از دانشجویان برخی از حرکات‌های بدنی که استاد نشان داده بود را انجام داد. این دانشجو در حالی که در مورد آنچه که در تعطیلات دیده بود صحبت می‌کرد چشم خود را لمس می‌کرد. این حرکت شبیه حرکت بدنی استاد بود زمانی که در مورد افعال حسی صحبت می‌کرد.



شکل ۱۴: کلاس ۲ در بازه زمانی ۲۵:۵۶

دانشجو: من مکان‌های تاریخی <. > را در <. > دیده بودم.

{انگشت اشاره دست چپ به سمت چشم چپ اشاره می‌شود.}

علاوه بر این، این دانشجو چندین حرکت بدنی راجع به بینایی ارائه داد که استاد در طی دوره اجرا کرده بود.

قرینه‌سازی (Mirroring)

درحالی‌که استاد تدریس می‌کرد یکی از دانشجویان معنای کلمه **tumble** را سوال کرد. زمانی که این دانشجو می‌خواست این سوال را بپرسد انگشت اشاره دست چپ خود را با کف دست باز بالا می‌برد تا سوال خود را بپرسد. استاد حرکات دانشجو را با دو دست تکرار می‌کرد و کف هر دو دست خود را برای نشان دادن معنای کلمه **tumble** باز می‌کرد.

لامسه

سرانجام اینکه استاد برای نشان دادن حس لامسه صندلی یک دانش آموز را لمس می‌کند. (شکل ۱۲).



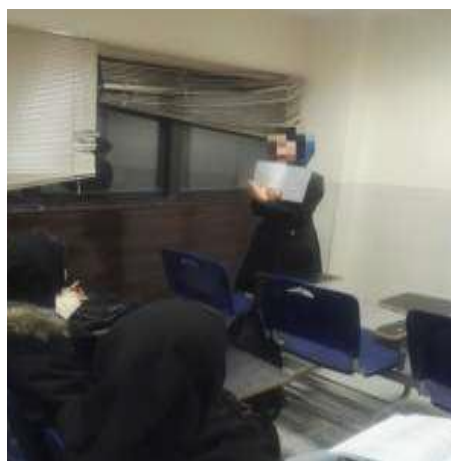
شکل ۱۲: کلاس ۳ در بازه زمانی ۵۴:۰۹

استاد: لامسه

{دست راست ۳ بار صندلی را لمس می‌کند}

استفاده از وسایل آموزشی (Realia)

استاد از وسایل کلاس درس برای توضیح واژگان استفاده می‌کند. در شکل ۱۳ استاد صحبت خارجی (Foreigner Talk) را با حرکات تلفیق می‌کند و با بالا بردن کتاب با هر دو دست کتاب را به دانشجویان نشان داد و کلمه ۵۵ را چند بار تلفظ می‌کند.



شکل ۱۳: کلاس ۲ در بازه زمانی ۳۵:۴۵

استاد: به صفحه ۵۵ نگاه کنید

{استاد با هر دو دست کتاب درس را بالا می‌برد.}

مثال دیگر از قرینه‌سازی در کلاس دوم انجام شد.



شکل ۱۵: کلاس ۲ در بازه زمانی ۱۳:۴۲

نفر از دانشجویان نظر دادند که معنای حرکات بدنی خود را نمی‌دانستند و گزارش دادند که آنها عادت دارند انگشتان و دست‌های خود را حرکت بدهند اما معنای آن را نمی‌دانند.

زمانی که از دانشجویان سوال شد که آیا استاد آنها در زمان تدریس از حرکات بدن هم استفاده می‌کند یکی از دانشجویان اظهار داشت که او از این موضوع اطلاع ندارد و فکر نمی‌کند که چنین چیزی صحت داشته باشد، هر چند که مشاهدات میدانی حاکی از این بود که استاد بطور صریح و ضمنی از حرکات بدنی حین تدریس استفاده می‌کرد.

در ارتباط با این سوال، یکی از دانشجویان گزارش داد که او می‌داند که استادش در کلاس درس از برخی حرکات دست حین تدریس استفاده می‌کند و اما یکی دیگر از دانشجویان اظهار داشت که او در این مورد چیزی بخاطر نمی‌آورد. همه دانشجویان به اتفاق اظهار داشتند که آنها استادی که به زبان بدن تدریس کند ندارند.

زمانی که از دانشجویان خواسته شد تا در مورد حرکات استاد خود بیشتر توضیح دهند یکی از دانشجویان در پاسخ اظهار داشت که او استفاده از زبان بدن در تدریس زبان انگلیسی را مفید و موثر می‌داند. زمانی که از آنها خواسته شد تا در مورد حرکات خود نظر بدهند برخی از آنها اظهار داشتند که آنها با حرکت بدن بهتر می‌توانند مقصود خود را به استاد انتقال دهند.

در پاسخ به این سوال که آیا دوست دارند در مورد حرکات استاد خود بیشتر صحبت کنند در پاسخ صرفاً اظهار داشتند که برای درک بهتر کتاب این کار برای آنها مفید و موثر است.

مصاحبه با استاد

پس از اینکه مشاهدات تصویری در کلاس بررسی و بازبینی شدند یک مصاحبه با استاد برای نمایش کلیپ‌های ویدئویی از تدریس استاد ترتیب داده شد. (در این رابطه به ضمیمه ب برای فهرست سوالات نگاه کنید). در مجموع، ۳ کلیپ ویدئویی از داده‌های استاد نمایش داده شدند.

کلیپ ۱- دست‌ورزبان

در ابتدای کار از استاد سوال شد که آیا تا بحال تدریس خود را در یک کلیپ ویدئویی مشاهده کرده بود. او در پاسخ

استاد: آیا شما معنای کلمه ... را متوجه شدید
{هر دو دست با کف باز به سمت بالا جابجا می‌شود.}
{استاد این حرکت بدنی را انجام می‌داد و دانشجویان عکس آن را انجام می‌دادند.}

نظرسنجی دانشجو

علاوه بر مشاهدات کلاسی، نظرسنجی‌های مکتوب دانشجویی در اختیار دانشجویان گذارده شد (ضمیمه د). تعداد ۷ نفر از ۱۵ نفر نظرسنجی را عودت دادند. همه آنها خانم بودند. این دانشجویان در سطح پیش متوسط بودند و توانایی نوشتاری آنها محدود بود. برخی اشتباهات در نظرسنجی دانشجویان اصلاح شد.

تعداد ۴ نفر از این ۷ نفر گزارش دادند که حرکات بدنی استاد خود را متوجه می‌شدند و تعداد ۳ نفر باقی مانده نیز گزارش دادند که آنها را متوجه نمی‌شدند. یکی از دانشجویان معتقد بود که استاد در هر زمان ممکن از زبان بدن استفاده می‌کرد و این کار برای آنها مهم بود زیرا که آنها با این حرکات درس را بهتر یاد می‌گرفتند. دانشجوی دیگر نظر می‌داد که حرکات بدنی برای آنها بسیار مهم بود و آنها با این حرکات مقصود استاد را متوجه می‌شدند.

تعداد ۵ دانشجو از میان ۷ دانشجوی باقیمانده در کلاس نیز تاکید می‌کردند که آنها حرکات بدنی استاد را متوجه می‌شدند. زمانی که از آنها سوال شد که چرا از حرکات بدنی استفاده می‌کنند و نظر آنها نسبت به این حرکات چیست؛ یکی از دانشجویان گزارش داد که او دوست دارد هر وقت صحبت می‌کند دستهای خود را تکان دهد. از طرف دیگر، تعداد دو

اظهار داشت که این نخستین تجربه او بود که تدریس خود را در یک کلیپ ویدئویی مشاهده می‌کرد؛ که به سمت عقب گام برمی‌داشت و با این کار از حرکات بدنی برای تدریس زمان گذشته استفاده می‌کرد. پس از نمایش کلیپ، پاسخ اولیه استاد راجع به هدف خاص خود در تدریس این بود که او با حرکات بدنی می‌خواست به دانشجویان نشان دهد که در گفتار و مکالمات خود از فعل‌های بیشتری استفاده کنند. او در کلاس درس علاوه بر گفتار در دفعات زیاد از حرکات بدنی استفاده می‌کرد.

استاد در ادامه به ارائه نظرات خود از آگاهی و عدم آگاهی نسبت به حرکات بدنی و رفتارهای غیرکلامی پرداخت. او اظهار داشت که در برخی وضعیت‌ها مانند تدریس افعال انعکاسی و لامسه ناآگاهانه از حرکاتی استفاده می‌کرد و در اغلب موارد در تدریس برخی درسها از این حرکات استفاده می‌کرد. اما در تدریس برخی درسهای دیگر مانند بخشهای دستورزبان او آگاهانه برای نشان دادن زمان گذشته به سمت عقب گام برمی‌داشت و از این حرکات آگاهانه برای یادگیری بهتر دانشجویان استفاده می‌کرد. همچنین بنظر او برخی اساتید فراموش می‌کنند که از حرکات بدنی استفاده کنند و در حال نوشتن صحبت می‌کنند. با یک تخته وایت برد نمی‌توان صحبت کرد. این نشان می‌داد که او از حرکات بدنی برای یادگیری دانشجویان استفاده می‌کرد.

کلیپ ۲- واژگان

کلیپ دوم که برای استاد نمایش داده شد راجع به واژگان بود. او در این باره گزارش داد که او این کار را لازم تشخیص داد؛ زیرا که می‌خواست معنای واژگان را بهتر و روشن‌تر توضیح دهد. او افزود که اگر سی دی پلیر CD player در اختیار نداشت صرفاً بایستی از کلام برای توضیح معنای واژگان استفاده می‌کرد.

راست‌دستی یا چپ‌دستی (Handedness)

زمانی که از استاد در مورد استفاده از دست راست خود سوال شد بخش خاص این مصاحبه به ترتیب ذیل بود:

سوال: شما از دست راست خود بیش از انتظار استفاده کردید؛ شاید شما عادت دارید به این کار.....

پاسخ: شما درست می‌فرمایید؛ من از دست راست خود

استفاده می‌کردم؛ زیرا از دست چپ برای نوشتن استفاده می‌کردم. و گاهی اوقات ابزارهای نوشتن را در دست چپ نگه می‌دارم. او می‌گفت که ۱۵ سال است که در کار تدریس است و همیشه با دست چپ نوشته است.

۵. بحث و بررسی

در این کلاس نکته مهم و حائز اهمیت این است که بین نقش‌های استاد به عنوان یک ایرانی و به عنوان یک مدرس زبان انگلیسی تمایز قائل شویم. استاد با وارد کردن رفتارهای غیرکلامی خاص فرهنگی در کنار رفتارهای غیرکلامی دیگر خود در کلاس نقش خود را به عنوان یک ایرانی و نیز استاد زبان انگلیسی در کلاس درس ایفا می‌کرد.

ویگوتسکی (۱۹۷۸) با اشاره به حرکت بدنی یک کودک بر این نظر است که اشاره انگشت کودک یک رابطه بین شخصی را نشان می‌دهد و اما همین رابطه بین شخصی پس از گذراندن مرحله درون سپاری به یک رابطه درون شخصی تبدیل می‌شود. بنظر **هادسون (Hudson) (۲۰۱۱)** یادگیری یک زبان دیگر از طریق تعامل اجتماعی اتفاق می‌افتد. بنابراین در تحقیق حاضر، حرکات استاد نسبت به دانشجویان خود نوعی ارتباط اجتماعی متقابل و در عین حال واسطه‌گری نشانه‌شناسانه (Semiotic Mediation) به شمار می‌رود.

به عنوان یکی از ابعاد نظریه اجتماعی-فرهنگی، از نظریه فعالیت (Activity theory) نیز برای بحث و بررسی و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نقش معلم زبان در کلاس درس در فرآیند ایجاد انگیزه و تمرکز از مشخصه‌های تئوری فعالیت است. در تحقیق حاضر، بر نقش حرکات بدنی در تدریس و یادگیری تاکید شد و محقق حرکات بدنی انجام شده در کلاس درس انگلیسی توسط استاد و دانشجویان آن در طی یک ترم را با تاکید بر رفتارهای غیرکلامی مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

نتایج این مطالعه بر حسب رفتارهای بدنی استاد مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. حرکات مشاهده شده در کلاس درس به ۲ مقوله زبان شناختی مختلف دستورزبان و واژگان تقسیم بندی شدند که هدف محوری دوره بود. استاد حرکات بدنی مرتبط با مدیریت در کلاس درس را مطابق با نقش و کارکرد توصیف نمود. این تلاش‌های استاد برای عینیت بخشیدن به زبان و تدوین آن در زمان ارائه به دانشجویان بود.

بنابراین نه تنها حرکات و بلکه نقشها و کارکردها در بخشهای ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

عملکرد آموزشی

بخشی از درسهای EFL استاد عبارت بود از عملکرد. نیومن و هولزمن (Newman and Holzman) (۱۹۹۳) که ایده عملکرد را از منظر ویگوتسکی توضیح می‌دهند. در این کلاس، لازم است بین نقشهای استاد به عنوان یک ایرانی و یک مدرس زبان تفاوت قائل شد. استاد با استفاده از حرکات فرهنگی و دیگر حرکات مرتبط، نقش خود به عنوان یک ایرانی و نیز به عنوان یک معلم زبان در کلاس درس را نشان داد.

حرکات بدنی به عنوان نوعی رفتار موزون

کندون (Kendon) (۱۹۹۰) و ولز (Wells) (۱۹۹۹) از حرکات بدنی به عنوان یک نوع رفتار موزون یاد می‌کنند. در این مطالعه معلم از حرکات متعدد با تغییر حالت‌های ظاهری برای نشان دادن معنای واژگانی استفاده کرد. گاهی اوقات دانشجویان به اینکه معلم از بدن خود برای انتقال معنا و کمک به دانشجویان که فرایند زبان انگلیسی را درون‌سازی کنند استفاده می‌کرد می‌خندیدند.

یک دیدگاه اکولوژیکی از کلاس درس

براساس نظریه فعالیت از جهت اکولوژیکی و محیطی رویدادهایی که رخ می‌دهند بخشی از یک اکوسیستم به شمار می‌روند. رویدادهایی که در کلاس درس رخ می‌دادند در یک قاب اکولوژیکی-اجتماعی مورد توجه قرار گرفتند؛ زیرا که حرکات بدنی بایستی در محیط مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند. علائم اکولوژیکی-اجتماعی این کلاس درس شامل استفاده استاد از فضا و زمان، جهت‌گیری او در کلاس درس در طی تدریس، و هر آنچه که او می‌خواست انجام دهد می‌شد. همه این عوامل برای معلمان در جهت شناخت چگونگی استفاده از حرکات بدنی در محیط این کلاس درس اهمیت داشتند. داده‌های این تحقیق با توجه به این مشخصه نظریه فعالیت مورد بررسی قرار گرفتند زیرا باورهای استاد راجع به محیط و فضای این کلاس درس یک مولفه اساسی به شمار می‌آمدند.

استفاده استاد از فضا در کلاس درس

با توجه به استفاده از حرکات بدنی در یک محیط اکولوژیکی، استاد هر زمان که رفتارهای تقلیدی انجام می‌داد فضای مورد نظر خود را در کلاس ترسیم می‌کرد بدین صورت که در پشت تریبون و روبروی دانشجویان قرار می‌گرفت و به سوالات آنها پاسخ می‌داد. معلم از پشت تریبون پایین می‌آمد و فضا را در برنامه تدریس خود می‌گنجاند. زمانی که دانشجویان راه رفتن استاد روبروی تریبون و ایستادن او در روبروی دانشجویان را می‌دیدند می‌توانستند پیش‌بینی کنند که چه اتفاقی می‌افتد. علاوه بر این، زمانی که استاد می‌خواست یک مفهوم جدید را توضیح دهد آن را در جلوی تریبون معرفی می‌کرد و هر وقت این کار انجام می‌شد به جایگاه قبلی خود در پشت تریبون بازمی‌گشت.

صحبت خارجی (Foreigner Talk)

یکی از مولفه‌های مشاهدات کلاسی این بود که گفتار استاد در این تحقیق برخی مولفه‌های صحبت خارجی را در بر گرفت؛ با این حال، چندین مشخصه از گفتار او با مشخصه‌های سنتی صحبت خارجی تفاوت داشت. مثلاً، در استفاده استاد از صحبت خارجی ساده سازی و یا کاهش در بخشهای واژگانی مانند حروف تعریف و یا افزایش تن صدا صورت نمی‌گرفت.

صحبت خارجی تقلیدی خواهد بود اگر که یک طرف گفتگو بتواند کلمات را عیناً به تصویر بکشد. با این حال، در صحبت خارجی یک نوع کاهش زبان بایستی وجود داشته باشد. در این تحقیق استاد زبان را کاهش نداد. او این کار را برای افزایش سطح درک مطلب انجام داد. بنابراین، کنش‌های استاد با یک صحبت خارجی قابل قیاس بود از این جهت که هدف اصلی صحبت خارجی این است که قابلیت درک مطلب افزایش پیدا کند و در اینجا نیز استاد مولفه‌های دستورزبانی را کاهش نداد. بر این اساس، در اینجا نیز بین آنچه که به لحاظ سنتی به عنوان یک صحبت خارجی تعریف می‌شود و آنچه که استاد در عمل انجام داد تفاوت وجود داشت. کنش‌های استاد که در کلاس درس مشاهده شد نوعی کنش ارتباطی محسوب می‌شد بدون اینکه لازم باشد صرفاً مولفه‌های زبان شناختی کاهش پیدا کند.

کاربردهای آموزشی فضا در انواع رفتارهای غیرکلامی

در بخش دستورزبان زمانی که استاد تصمیم گرفت زمان گذشته را توضیح دهد از حرکات اشاره‌ای استفاده کرد که به یک فضای خاص نیاز نداشتند. با انجام مصاحبه مشخص شد که استاد در زمان توضیح راجع به زمان گذشته از گام‌های خود به عقب ناآگاه بود. در بخش واژگان نیز استاد از فضای بیشتر برای توضیح معنای واژگان استفاده کرد. این موضوع در توصیف اعمال مشخص بود.

بافت آموزش

لازارتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) در مطالعه خود

مشاهده کرد که معلم در مبحث معنا نسبت به مبحث شکل از حرکات بدنی بیشتری استفاده می‌کرد. علاوه بر این، لازارتون مشاهده کرد که معلم در آموزش شکل و فرم در مقایسه با آموزش معنا از حرکات بدنی کمتری استفاده می‌کرد. نتایج تحقیق حاضر یافته‌های لازارتون را تایید می‌کنند زیرا محقق در مطالعه حاضر مشاهده نمود که استاد در مبحث دستورزبان و واژه از حرکات بدنی استفاده می‌کرد. یک دلیل ممکن برای تایید داده‌های مربوط به دستورزبان می‌تواند این باشد که در توضیح نکات دستوری بسیاری از کلمات را نمی‌شود به با استفاده از حرکات بدنی درس داد. در بخش دستورزبان استاد در اغلب موارد از حرکات اشاره‌ای استفاده می‌کرد.

مفهومی نو از صحبت خارجی (Foreigner Talk)

به‌عنوان صحبت خارجی استاد

بنظر مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲) چنانچه یک بیان را نتوان در یک فضا تفسیر کرد گویشور از حرکات بدنی استفاده می‌کند. در تحقیق حاضر، استاد در تدریس خود زمانی که گفتار او در جمله قابل فهم نمی‌شد از حرکات بدنی برای فهم موضوع استفاده می‌کرد.

استعاره‌ها

در این روش، استاد از چندین حرکت بدنی استعاری برای نشان دادن معنای واژگانی مفاهیمی مانند استیصال، شناخت و احساس استفاده می‌کرد. این روش علاوه بر روشهای بسیار دیگری بود که با استفاده از آنها استاد در کلاس درس صحبت کردن، تلفظ و صوت را در ذهن دانشجو

عینیت می‌بخشید. استاد از عینیت بخشی (Concretization) برای رفع نیاز دانشجویان زبان انگلیسی به بافت (Contextualization) استفاده می‌کرد.

بنظر مک فرتی (McCafferty) (۲۰۰۸) عینیت

بخشی به دانشجویان کمک می‌کند تا از طریق بازنمایی تقلیدی (Mimetic Representation) غیرکلامی، زبان و معنا را بهتر در بافت بیاورند. مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲) انواع حرکات استعاری در نوشته کوتاه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در این روش ایده استعاره مجرا (Conduit Metaphor) ارائه می‌شود که به موجب آن مفاهیم انتزاعی مانند زبان، دانش، و هنر بعنوان محفظه‌های محدود (Bounded Container) توضیح داده می‌شوند. در این حرکات‌های انتزاعی معنا به چیزی تشبیه می‌شود که جسم دارد؛ و این جسم در داخل یک محفظه قرار دارد؛ و این محفظه را می‌توان از طریق یک مجرا به دریافت کننده انتقال داد.

حرکات اشاره‌ای انتزاعی

برای توضیح دستورزبان، واژه و مولفه‌های زبان شناختی، استاد از حرکات اشاره‌ای انتزاعی استفاده می‌کرد. مثلاً، برای توضیح شنوایی به گوش خود اشاره می‌کرد. با توجه به یافته‌های پژوهشی مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲)، این حرکات اشاره‌ای برای توضیح مفاهیم انتزاعی بکار می‌روند.

تصویرگونگی

استاد برای اشیاء قابل لمس که خیلی کوچک بودند از حرکاتی تصویرگونه استفاده می‌کرد. برای توضیح این اشیاء ملموس و عینی استاد از یک سری وسایل کمک آموزشی استفاده کرد. برای مثال، استاد از کتاب خود به عنوان یک وسیله کمک آموزشی استفاده می‌کرد و کتاب خود را با دو دست بالا می‌برد تا بدین ترتیب توجه دانشجویان را به صفحه ۴۵ معطوف نماید.

روش‌های حسی و لامسه‌ای (Haptics)

در کنار حرکات بدنی اشاره‌ای انتزاعی، از حرکات حسی نیز برای توضیح معنای واژگان حسی استفاده کرد به طوریکه استاد برای توضیح حواس پنجگانه، گوش، بینی و

تدریس با استفاده از بافت (Context)

استاد در بخش واژگان در مقایسه با بخش دستورزبان از حرکات بدنی بیشتری استفاده می‌کرد. این در راستای نظر لازارتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) بود مبنی بر اینکه زمانی که در آموزش بر معنا بیشتر از شکل تاکید می‌شود استاد بیشتر از حرکات بدنی استفاده می‌کند.

تقارن (Symmetry)

بسیاری از حرکات بدنی مشاهده شده در داده متقارن بودند و برای مثال استاد از هر دو دست برای اشاره به هر دو گوش خود استفاده می‌کرد. در برخی موارد استاد از هر دو دست برای اطمینان از اینکه دانشجویان با دقت به او گوش می‌دهند استفاده می‌کرد.

راست‌دستی و یا چپ‌دستی (Handedness)

مک نیل (McNeill) (۱۹۹۲) استدلال می‌کرد که مردم از دست‌دستی که غالباً برای انجام کارها استفاده می‌کنند برای انجام حرکات بدنی بیشتر استفاده می‌کنند. بویژه اینکه حرکات استعاری و تصویرگونه با این دست ساخته می‌شوند. با توجه به اینکه استاد چپ‌دست بود انتظار می‌رفت که این حرکت-های بدنی را با دست چپ خود انجام دهد. اما بادست راست بسیاری از حرکات را انجام می‌داد.

دیدگاه استاد در مطالعه حاضر نسبت به حرکات بدنی

به عنوان یک شکل واسطه‌ای در یادگیری زبان دوم

در مصاحبه انجام شده، استاد اظهار می‌داشت که اساتید زبان نمی‌بایستی در زمان تدریس کلامی روی وایت برد چیزی بنویسند. او تاکید می‌کرد که برخی اساتید زبان همزمان که در حال تدریس کلامی هستند و یا چیزی روی وایت برد می‌نویسند فراموش می‌کنند از حرکات بدنی استفاده کنند. هیچ کسی نمی‌تواند خطاب به وایت برد چیزی بگوید. یک استاد زبان بایستی در سطوح مختلف تدریس کند. اساتید زبان به این مورد توجه نمی‌کنند. این اظهارات نشان می‌دهند که مسئولیت استاد زبان این است که استفاده از حرکات بدنی را به عنوان یک ابزار واسطه‌ای در یادگیری زبان خارجی مورد توجه قرار دهد.

لازارتون (Lazaraton) (۲۰۰۴) عقیده دارد اساتیدی

که بافت کلامی آهسته و واضح دارند ممکن است نسبت به بافت معتبر خارج از محیط کلاس یک بافت یادگیری غیرمعتبر و غیرواقعی ایجاد کنند. حرکاتی که استاد در این تحقیق استفاده می‌نمود در راستای اصالت بخشی به محتوای آموزشی بود که بر درک دانشجویان از محتوای درسی در کلاس تاثیر مهمی دارد.

آگاهی نسبت به استفاده از حرکات بدنی

مصاحبه با استاد نشان داد که در برخی از بافت‌ها استاد نسبت به حرکات بدنی خود آگاهی داشت و در برخی مواقع چنین آگاهی وجود نداشت. این مصاحبه نشان داد که استاد حرکات و جابجایی بدنی خود را هم آگاهانه و هم بصورت خودکار و مکانیکی انجام می‌داده است. او اظهار داشت در برخی موارد مانند تدریس افعال انعکاسی و افعال حسی نسبت به حرکات خود آگاهی نداشته است و آنها را بطور طبیعی و عادی بکار می‌برده است. اما در تدریس برخی مطالب درسی و در برخی بافت‌ها مانند بخشهای گرامر آگاه بوده است که برای تدریس گذشته ساده به سمت عقب گام برمی‌داشته است؛ و این حرکات را آگاهانه برای یادگیری بهتر درس توسط فراگیران انجام می‌داده است.

۶. نتیجه‌گیری و کاربردهای تحقیق

حرکت بدنی نقش مهمی در ارتباط و یادگیری زبان دوم دارد. لازم است در حوزه مطالعات یادگیری زبان دوم در بخش آموزش اساتید زبان خارجی به نقش حرکات بدنی توجه بیشتر شود. بررسی کامل‌تر جنبه‌های گفتمان کلاس درس ایده‌ها و جزئیات بیشتری راجع به نقش گفتار و رفتار استاد و دانشجو در کلاس را آشکار می‌کند. حرکت بدنی بخش مهمی از کلاس درس زبان به شمار می‌رود. هدف مطالعه حاضر این بود که چگونگی استفاده از حرکات بدنی برای تدریس زبان انگلیسی به دانشجویان زبان دوم و نیز چگونگی تاثیرگذاری حرکات بدنی بر ایجاد و انتقال معنا در کلاس درس زبان دوم مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های تحقیق حاکی از این بود که بنظر استاد حرکات بدنی در ایجاد

معنا برای دانشجویان در کلاس درس نقش مهمی دارند. آگاهی معلم از انجام حرکات بدنی در هنگام تدریس تاثیر معناداری در فرآیند یاددهی یادگیری دارد و در این پژوهش استاد در اکثر موارد حرکات را آگاهانه انجام می‌داد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به اساتید زبان کمک کند تا شناخت بهتری از نقش و نیز چگونگی استفاده از حرکات بدنی در تدریس داشته باشند.

در مورد کاربردهای یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که در رابطه با مهارت‌های یادگیری زبان دوم، بهتر است که اساتید زبان دوم نسبت به ابزارهای آموزشی مثل حرکات بدنی آگاهی داشته باشند. حرکات بدنی در تدریس زبان دوم یک بخش طبیعی و معمول از کلاس زبان به شمار می‌روند و حتی می‌توان این سوال را مطرح کرد که آیا عدم استفاده از آنها در آموزش نقص در تدریس بحساب می‌آید؟ یک نکته

کاربردی و آموزشی مهم این است که اساتید زبان انگلیسی باید نسبت به فرهنگ دانشجویان آگاهی داشته باشند؛ و از آنها سوال کنند که آیا حرکات‌های بدنی مشخص که در طی کلاس داشته‌اند را درک کرده‌اند. نکته کاربردی مهم دیگر این است که اساتید زبان دوم در کلاس درس تا چه میزان از حرکات بدنی استفاده کنند و برای یادگیری مطالب درسی حرکتی را بیش از پیش به دانشجویان آموزش دهند. شایان توجه است مثل هر تحقیق دیگر این تحقیق هم محدودیت‌هایی داشت از جمله اینکه فقط یک استاد و کلاس او مورد بررسی قرار گرفت و اینکه کلاس درس مربوط به آموزش مهارت شنیداری و تلفظ بود. بررسی صحت و سقم یافته‌های این پژوهش نیازمند انجام پژوهش‌ها و تحقیقات بیشتر با تعداد بیشتر شرکت‌کنندگان و در زمینه مهارت‌های زبانی دیگر است.

منابع

- Allen, L. Q. (1995). The effects of emblematic gestures on the development and access of mental representations of French expressions. *Modern Language Journal*, 79(4), 521–529.
- Allen, L. Q. (2000). Nonverbal accommodations in foreign language teacher talk. *Applied Language Learning*, 11, 155–176.
- Ashwin, T.S., & Reddy Guddeti, R.M. (2020). Affective database for e-learning and classroom environments using Indian students' faces, hand gestures and body postures. *Future Generation Computer Systems*, 108, 334–348.
- Celce-Murcia, M. (1987). Teaching pronunciation as communication. In J. Morley (Ed.), *Current perspectives on pronunciation: Practices anchored in theory* (pp. 5-12). Washington, DC: TESOL.
- Dahl, T.L., & Ludvigsen, S (2014). How I See What You're Saying: The Role of Gestures in Native and Foreign Language Listening Comprehension. *The Modern Language Journal*, 98, 813-833.
- Faraco, M., & Kida, T. (2008). Gesture and the negotiation of meaning in the second language classroom. In S. G. McCafferty & G. Stam (Eds.), *Gesture: Second language acquisition and classroom research* (pp. 280-297). New York: Routledge.

- Goldin-Meadow, S. (1999). The role of gesture in communication and thinking. *Trends in Cognitive Sciences*, 3, 419-429.
- Gullberg, M. (1998). *Gesture as a communication strategy in second language discourse: A study of learners of French and Swedish*. Lund, Sweden: Lund University.
- Hauge, E (2000). *The Role of Gesture in British ELT in a University Setting*. Southampton: Faculty of Social Sciences.
- Hudson, N. (2011). Teacher gesture in a post-secondary English as a second language classroom: A sociocultural approach. *UNLV Theses, Dissertations, Professional Papers, and Capstones*. 1044.
- <https://digitalscholarship.unlv.edu/thesedissertations/1044>
- Kendon, A. (1990). *Conducting interaction: Patterns of behavior in focused encounters*. Cambridge: Cambridge University.
- Kita, S. (1993). *Language and thought interface: A study of spontaneous gestures and Japanese mimetics*. Doctoral dissertation, Department of Psychology and Department of Linguistics, University of Chicago, Chicago, IL.
- Lantolf, J. P., & Appel, G. (1994). *Vygotskian approaches to second language research*. Norwood, New Jersey: Ablex.
- Lave, J., & Wenger, E. (1991). *Situated learning: Legitimate peripheral participation*. Cambridge: Cambridge University.
- Lazaraton, A. (2004). Gesture and speech in the vocabulary explanations of one ESL teacher: A microanalytic inquiry. *Language Learning*, 54, 79-117.
- Liu, Q., Zhang, N., Chen, W., Wang, Q., Yuan, Y., & Xie, K. (2020). Categorizing teachers' gestures in classroom teaching: from the perspective of multiple representations. *Social Semiotics*, 1-21.
- Liuka, T., Nakatsukasa, K., & Braver, A. (2020). The efficacy of gesture on second language pronunciation: An exploratory study of handclapping as a classroom instructional tool. *Language Learning*, 70, 1-37.
- Luria, A. R. (1979). *The making of mind: a personal account of Soviet psychology*. M. Cole & S. Cole (Eds.). Cambridge: Harvard University.
- Luria, A. R. (1982). *Language and cognition*. J. V. Wertsch (Ed.). New York: John Wiley & Sons.
- Matsumoto, Y., & Canagarajah, S. (2020). *The use of gesture, gesture hold, and*

- gaze in trouble-in talk among multilingual interlocutors in an English as a lingua franca context. *Journal of Pragmatics*, 169, 245-267.
- Matsumoto, Y. & Dobs, A.M. (2016). Pedagogical gestures as interactional resources for teaching and learning tense and aspect in the ESL grammar classroom. *Language Learning*, 67, 1-36.
- McCafferty, S. G. (2008b). Mimesis and second language acquisition: A sociocultural perspective. *SSLA*, 30, 147-167.
- McNeill, D. (1992). *Hand and mind: What the hands reveal about thought*. Chicago: University of Chicago.
- Mohan, B., & Helmer, S. (1988). Context and second language development: Preschoolers' comprehension gestures. *Applied Linguistics*, 9, 275-292.
- Mondada, Lorenza. (2014). The local constitution of multimodal resources for social interaction. *J. Pragmat.* 65, 137-156.
- Newman, F., & Holzman, L. (1993). *Lev Vygotsky: Revolutionary scientist*. New York: Routledge.
- Nobe, S. (1993). *Cognitive processes of speaking and gesturing: A comparison between first language speakers and foreign language speakers*. MSc Thesis, University of Chicago.
- Safadi, M., & Valentine, C. A. (1988). Emblematic gestures among Hebrew speakers in Israel. *International Journal of Intercultural Relations*, 4, 327-361.
- Sato, R. (2020). Gestures in EFL classroom: Their relations with complexity, accuracy, and fluency in EFL teachers' L2 utterances. *System*, 89, 1-13.
- Seyfeddinipur, M., & Kita, S. (2001). Gestures and disfluencies in speech. In C. Cavé, I. Guaitella, & S. Santi (Eds.), *Oralité et gestualité. Interaction et comportements multimodaux dans la communication* (pp. 266-270). Actes du colloque ORAGE 2001, Aix-en-Provence, 18-22 June 2001. Paris: l'Harmattan.
- Sime, D. (2006). What do learners make of teachers' gestures in the language classroom? *IRAL: International Review of Applied Linguistics in Language Teaching*, 44, 211-230.
- Smotrova, T. (2014). *Instructional functions of speech and gesture in the L2 classroom*. Unpublished doctoral dissertation, Pennsylvania State University, University Park.
- Stam, G. (1999). *Speech and gesture: What changes first in L2 acquisition*. Proceedings of the 2nd Language

Research Forum, (LRF' 99), University of Minneapolis.

Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes.* Cambridge: Harvard University.

Vygotsky, L. S. (1986). *Thought and language.* Cambridge, MA: MIT Press.

Warayet, A. (2011). *Participation as a complex phenomenon in the EFL classroom.* (Doctoral dissertation). Retrieved from

<https://theses.ncl.ac.uk/dspace/bitstream/10443/1322/1/Warayet11.pdf>

Wells, G. (1999). *Dialogic inquiry: Toward a sociocultural practice and theory of education.* Cambridge: Cambridge University.

Wilson, A. A., M. D. Boatright, and L. H. Melanie. (2014). *Middle School Teachers' Discipline-Specific Use of Gestures and Implications for Disciplinary Literacy Instruction.*

Journal of Literacy Research, 46 (2), 234-262.

Wolfgang, A., & Wolofsky, Z. (1991). *The ability of new Canadians to decode gestures generated by Canadians of Anglo-Celtic background. International Journal of Intercultural Relations, 15, 47-64.*

Yuan, C., González-Fuente, S., Baills, F., & Prieto, P. (2019). *Observing pitch gestures favors the learning of Spanish intonation by Mandarin speakers. Studies in Second Language Acquisition, 41, 5-32.*

Zhang, Y., Baills, F., & Prieto, P. (2018). *Hand-clapping to the rhythm of newly learned words improves L2 pronunciation: Evidence from training Chinese adolescents with French words. Language Teaching Research, 24, 1-24.*

Zhao, J. (2007). *Metaphors and Gestures for Abstract Concepts in Academic English Writing.* Ph.D. dissertation, Graduate College, University of Arizona.

ضمائم

ضمیمه الف: الگوهای ترانسکرایب داده‌ای

(Data Transcription Conventions)

داده‌های کلامی

.... حذف؛

<...>, <..>, <.> = مکث در بازه‌های مختلف

<ایتالیک> = کامنت‌های ترانویس؛ جابجایی غیر

از ژست از سوی شرکت کننده‌ها

<؟> = بیان‌های مبهم؛

<# کلمه #> = شنیداری نامشخص

<@> = خنده در طی گفتار

کلم- = کوتاه سازی کلمه

= بیان‌های کلامی مطابق با کل مرحله حرکت بدنی

* = خود توفقی

== وقفه دیگر

٪ = صدای بی‌کلام دیگر (مانند قورت دادن)

داده‌های غیر کلامی

{ایتالیک} = توصیف حرکت‌های بدنی، مسیر،

شکل، ناحیه

LH = دست چپ

LHF = دست راست مشت شده

RH = دست راست

RHF = دست راست مشت شده

BH = هر دو دست

BHC = هر دو دست باز روبروی هم که شکل

یک محفظه نیمه باز را می‌سازد

LPO = کف دست چپ

LPOU = کف دست چپ باز شده به سمت بالا

LPOD = کف دست باز شده به سمت پایین

RPO = کف دست راست باز شده

RPOU = کف دست راست به سمت پایین

LA = بازوی چپ

RA = بازوی راست

C-VPT = شکل کاراکتر با یک ژست تصویرگونه

O-VPT = شکل بیننده با یک ژست تصویرگونه

ضمیمه ب: سوالات نظرسنجی از دانشجوی پس از

تحقیق

۱. آیا شما از ژست‌هایی که استاد شما استفاده می‌کند آگاه هستید؟
۲. در صورتی که پاسخ مثبت است نظر شما نسبت به این ژست‌هایی چه هست؟
۳. آیا از ژست‌هایی خود در کلاس درس آگاه هستید؟
۴. در صورتی که پاسخ مثبت است نظر شما نسبت به این ژست‌هایی خود چه هست؟
۵. آیا استاد حال حاضر شما ژست‌هایی را به شما آموزش داده است؟
۶. در صورتی که پاسخ مثبت است کدام حرکات را آموزش داده است؟

۷. آیا شما استاد دیگری داشته‌اید که به شما ژست

هایی را آموزش دهد؟

۸. در صورتی که پاسخ مثبت است کدام یک از ژست

هایی را آموزش داده است؟

۹. آیا نظر دیگری راجع به ژست‌هایی استاد خود

ندارید؟

۱۰. آیا نظر دیگری راجع به ژست‌هایی خود ندارید؟

۱۱. آیا مایل هستید در مورد ژست‌هایی استاد در

کلاس درس با من صحبت کنید؟

ضمیمه ج: پرسشنامه زمینه‌ای استاد

۱. در حال حاضر شما در کدام کلاس تدریس می

کنید؟

۲. شما اهل کجا هستید؟

۳. زبان بومی شما چه هست؟

۴. لطفا در مورد زبان‌هایی که صحبت می‌کنید نظر

بدهید و بگویید که این زبان‌ها را چگونه فراگرفته

اید؟

۵. لطفا از تجربه خود راجع به زندگی در کشورهای

دیگر با با دقت توضیح دهید. (لطفا فهرست

کشورهایی که در آنها زندگی کرده‌اید و مدت زمان

زندگی در آنجا را ذکر نمایید)

۶. لطفا در مورد تجربه سفر به کشورهای دیگر با

دقت توضیح دهید؟

۷. لطفا در مورد مدارج تحصیلی خود توضیح دهید.

(در مورد سوالات ۷ و ۸ در صورت امکان رزومه

خود را پیوست کنید)

۸. لطفا تجربه آموزش خود را فهرست کنید (شامل

معلمه، سال‌های تدریس، مدرک تحصیلی، و عنوان

مدرک).

با تشکر

ضمیمه د: سوالات مصاحبه با استاد پس از تحقیق

۱. آیا شما تابحال خود را در حال تدریس در یک

کلیپ ویدئویی مشاهده کرده‌اید؟ اگر چنین است

چه حسی داشتید؟

۲. زمانی که شما این کلیپ‌ها را مشاهده می‌کنید در

- مورد خود به عنوان یک معلم چه نظری دارید؟
۳. آیا شما آگاه هستید که ژست‌هایی خود بخشی از آموزش محسوب می‌شود؟ برای چه هدفی از این ژست‌هایی استفاده می‌کنید؟ در مجموع برای چه برای این هدف تلاش می‌کنید؟
۴. بارها و بارها اتفاق افتاده است که شما زبان را به خوبی اجرا می‌کنید. در این مورد چه نظری دارید؟
۵. آیا در مورد چرایی استفاده از دست راست برای حرکت بدنی نظری دارید؟
۶. آیا در زمینه تئاتر پیش‌زمینه‌ای دارید؟
۷. شما تجربه شخصی خود را در کلاس درس بکار می‌برید. آیا از این موضوع خبر دارید؟ چرا این کار را انجام می‌دهید؟